

## قاتل نامرئی طی ۶ ماه جان ۳۲۴ ایرانی را گرفت

فوتی هانسیب به بازه زمانی مشابه در سال گذشته ۱۷ درصد کاهش یافته است.
میعادفر ادامه داد: بیشترین آمار مسمومیت‌ها مربوط به استان‌های تهران (۱۱۵۹ نفر)، خراسان رضوی (۶۹۸ نفر) و فارس (۴۷۷ نفر) بوده است. همچنین بیشترین فوتی‌ها مربوط به استان تهران با ۶۴ نفر، خراسان رضوی با ۳۴ نفر و اصفهان با ۲۸ نفر بوده‌است. رئیس سازمان اورژانس کشور تصریح کرد: ۵۲ درصد از مسموم‌شدگان زن، ۴۱ درصد مرد و ۷ درصد نیز کودکان زیر ۵ سال بوده‌اند.
میعادفر گفت: ۸۶ درصد مسمومیت‌ها با گاز مونو کسید کربن در

اماکن مسکونی، ۳ درصد در مراکز صنعتی و کارگاهی، ۲ درصد داخل خودرو، ۲ درصد در مراکز تجاری، ۲ درصد در چادرهای مسافرتی و ۵ درصد در سایر اماکن رخ داده است.
رئیس سازمان اورژانس کشور با بیان این‌که ۷۸ درصد علت مسمومیت در منازل مسکونی، نقص در لوله کشی آبگرم‌کن و یخاری است، هشدار داد: مونو کسید کربن یک گاز بی‌رنگ و بوست که ممکن است افراد متوجه مسمومیت با آن نشوند به همین دلیل مرگ بر اثر گاز گرفتگی با آن را امرگ خاموش می‌نامند. مونو کسید کربن، گاز بی‌رنگ، بدون بو، نامرئی، بسیار



سمی و کشنده است و علائم زودرس مسمومیت با آن شامل سردرد، سر گیجه، تهوع، خستگی و علائم بسیار شبیه به آنفلوآنزا است و علائم دیررس و حاد مسمومیت با مونو کسید کربن، کاهش فشار خون، کاهش سطح هوشیاری، تشنج و مرگ است.

هولناک به قضات دادگاه گفت: ۳ روز بود که التماس می کردم آشتی کنید و دعوا را کنار بگذارید. همان روز حادثه پسرم به خاطر شکایت پدر زنش جلسه دادگاه داشتند که پدر زنش با او درگیر شد. البته از قبل هم با یکدیگر دعوا کرده بودند. ما هم رفتم که موضوع را حل و فصل کنیم. از کلاترزی که خارج شدیم به آن‌ها گفتم به خانه من بیایید که آشتی کنیم. چندبار به یکی از عموهای عروس گفتم که برادرانت را از این جا ببر! در دسر می شود. خلاصه بعد از چند بار درگیری بالاخره آن‌ها به خانه ما آمدند که درگیری با چوب و قمه شروع شد...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، پس از آن که همه متهمان این پرونده یک به یک از اتهامات خود دفاع کردند و متهم به قتل هم مدعی بود که از خود در برابر هجوم طرف‌های مقابل دفاع کرده است، قضات دادگاه به شور نشستند و سپس رای خود را دربار این پرونده جنایی درحالی صادر کردند که مستندات دقیق حقوقی و قضایی پشتوانه رای قاطع آنان بود. بنابر حکم قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی که به امضای قاضی هادی دنیا دیده (رئیس) وقاضی علی روحانی نژاد (مشتشار) سیده است: «علی-ق» به «به زدی چه کردی؟ متهم گفت: پدرم مرا با خودروی نیسان به جاده رساند و از آن جا به مشهد گریختم ولی چون پلیس در تعقیب بود عموهایم مرا به خانه راه دادند. شب را درخیابان‌های مشهد خوابیدم و روز بعد به شهرستان بازگشتم!

بنابر گزارش روزنامه خراسان، برادر متهم نیز در شرح این ماجرا به قضات با تجربه شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی گفت: برادرم با خانواده همسرش مشکل داشت. آن روز به دادگستری آمده بودیم تا آن‌ها را آشتی بدهیم که نتیجه‌ای نداشت ولی خانواده همسر برادرم به منزل پدرم رفته بودند که دعوا شد. دراین هنگام قاضی دادگاه پرسید شما که نقشی در نزاع نداشتید چرا فرار کردید؟ برادر متهم پاسخ داد: چون ترسیده بودم!

در ادامه جلسات رسیدگی به این پرونده جنایی، پدر متهم به قتل نیز در جایگاه متهمان قرار گرفت و در تشریح این جنایت



عدالت نمایان شد و داماد جوان به اتهام قتل عمدی عموی عروس پای میز قضاوت قرار گرفت. او در تشریح جزئیات این حادثه وحشتناک گفت: ۵ نفر از خانواده عروس کسانی بودند که به منزل پدرم حمله کردند. در واقع آن‌ها برای صلح و سازش بین من و همسرم (پریسا) آمده بودند ولی تنها هاشم (مردمیان سال) به آشتی ما توجه داشت و بقیه آن‌ها سنگ می زدند. وقتی «هاشم» به خانه پدرم آمد ابتدا مادرم در حیاط را گشود و ما به درون خانه آمدیم که ناگهان «علی اصغر» در راهل داد و دست مادرم را کشید که او را به بیرون برد. من هم با چاقو آمدم که «هاشم» جلوی مرا گرفت ولی من که خشمگین بودم او را به کناری پرت کردم و در بیرون از خانه ضربه ای به ابوالقاسم زدم که میلگرد در دست داشت البته ابتدا او با میلگرد ضربه ای به پای چپ من زد و زن‌ها هم سنگ پرانی می کردند. در همین حال به سمت در خانه فرار کردم و علی اصغر را دیدم که همچنان قصد داشت مادرم را از خانه بیرون بکشد. با آن که او هم قمه داشت ولی من دو ضربه چاقو به سینه و شکمش زدم...

در این هنگام رئیس دادگاه پرسید: علی

مرداد سال ۱۳۹۹ را در خیابان‌های مشهد سپری کر داماد داماد جوان درحالی که همچنان با وجدان خود درگیر بود و می دانست که ماجرای طلاق با مهر خون حکایت وحشتناکی دارد روز بعد به نیشابور بازگشت و خود را تسلیم قانون کرد. این درحالی بود که تعدادی از عوامل این نزاع مرگبار نیز با دستورات ویژه قضایی دستگیر و روانه بازداشتگاه شده بودند. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با اعتراف «علی-ق» به ارتکاب جنایت، ماجرای این پرونده جنایی در دادسرای عمومی و انقلاب مورد رسیدگی قرار گرفت و با انجام تحقیقات میدانی گسترده‌ای از متهمان، ریشه یابی جنایت مذکور با دقت خاص قضایی آغاز شد. مدتی بعد و پس از تکمیل تحقیقات و همچنین بازسازی صحنه قتل، برخی از متهمان با صدور قرار قانونی آزاد شدند اما مهر بازداشت موقت بر آخرین برگ پرونده متهم به قتل جا خوش کرد تا این که این پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد.
طولی نکشید که جلسات محاکمه به ریاست قاضی هادی دنیا دیده در ترازوی

**سید خلیل سجادیور** - با تأیید حکم قصاص نفس دامادی که عموی عروس را در یک نزاع خانوادگی به قتل رسانده بود، ماجرای طلاق به مهر خون رسید و قاتل در یک قدمی چوبه‌دار قرار گرفت.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ناسازگاری و اختلافات خانوادگی عروس و داماد نیشابوری روز به روز بیشتر می‌شد و مهر و عاطفه قلبی بین آن‌ها رنگ می‌باخت تا حدی که خشم و درگیری جایگزین عشق و محبت شد و سخن از طلاق و جدایی به میان آمد. حالا دیگر شکایت‌ها در دستگاه قضایی زبرخان زیر دره بین قضاوت قرار گرفته بود و دادخواست‌های قانونی به ثبت می‌رسید. واسطه‌گری اطرافیان نیز فایده‌ای نداشت.

آن روز هم پدر عروس شکایتی را با عنوان ضرب و جرح دخترش، در شعبه دادباری مطرح کرده بود و ادعا می‌کرد که داماد جوان عروس را کتک زده است. این درحالی بود که خانواده داماد هم برای حل اختلافات آن‌ها وارد عمل شدند و به منزل پدر «علی-ق» (داماد) رفتند. در این میان اما عروس، قصد داشت با حکم قانون تکلیف جبهه‌به‌اش را مشخص کند که ناگهان گفت و گو‌ها رنگ مشاجره گرفت و خشم و غضب چهره‌ها را برافروخت. طولی نکشید که نزاعی خونبار رقم خورد و چاقو و قمه از غلاف بیرون آمد. عده‌ای جیغ می‌کشیدند و افرادی قصد جلوگیری از نزاعی وحشتناک را داشتند و تعدادی هم به سوی یکدیگر هجوم بردند به طوری که صحنه‌ای از وحشت و خون‌ریزی به نمایش گذاشتند.

دراثنای این درگیری هولناک بود که داماد جوان تیغ کشید و به سوی «علی اصغر-م» (عموی عروس) روانه کرد. او دو ضربه وحشتناک بر پیکر وی فرود آورد و سپس به بیرون از حیاط دوید و ابوالقاسم-م» را نیز هدف خشم خود قرار داد و او را هم به خون آغشته کرد. دقایقی بعد با اشک و صدای ناله و فریادهای زنان، این نزاع خونبار درحالی فروکش کرد که «علی اصغر-م» بر اثر عوارض ناشی از اصابت تیغه چاقو جان سپرد و داماد جوان هم به مشهد گریخت ولی بستگان او که از جریان نزاع مرگبار مطلع شده بودند، او را به بهانه هایی به منزلشان راه ندادند و او شب چهاردهم

## پلیس ترقه های «امنیت سوزان» را کشف کرد

امنیت سوزان چهارشنبه سوری آغاز کرده بودند، پانزدهم اسفند با به کارگیری منابع و مخبران به سرخ‌هایی از فروش گسترده‌مواد محترقه به نوجوانان دست یافتند و با هدایت مستقیم سرگرد سبکبار (رئیس کلاترزی شفا)، به‌طرف بولوار خیام حرکت کردند. آنان با کسب مجوز قضایی و اردفروشگاه لوازم تزئینی سفره هفت سین شدند و حدود ۳ هزار و ۲۰۰ عدد ترقه و نارنجک‌های انفجاری را کشف

**سجادپور** - نیروهای کلاترزی شفای مشهد در یک عملیات ضربتی و هماهنگ، بیش از ۳ هزار مواد منفجره از امنیت سوزان چهارشنبه سوری کشف و از انفجار آن‌ها جلوگیری کردند.
به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماموران کلاترزی شفای مشهد که با صدور دستوری ویژه از سوی سرتیب دوم احمد نگهبان (رئیس پلیس مشهد) عملیات اطلاعاتی گسترده‌ای را برای شناسایی

**معاون ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری:**

### کشت تریاک در افغانستان افزایش پیدا کرده است

**کرمانی** - تحقیقات نشان می‌دهد که در کشور افغانستان کشت مواد مخدر افزایش پیدا کرده است. به گزارش خراسان، معاون مقابله با عرضه و استعمال بین‌الملل ستاد مبارزه با مواد مخدر در نشست کمیته حقوقی و قضایی مبارزه با مواد مخدر استان کرمان اظهار کرد: برخلاف گفته‌های مقامات کشور افغانستان مبنی بر کاهش کاشت تریاک، تحقیقات موثق نشان می‌دهد که در این کشور کشت مواد مخدر افزایش پیدا کرده و متأسفانه این کشور در حال تبدیل به قطب مواد مخدر صنعتی است. محمد زارعی افزود: سیاست‌گذاران کشورهای غربی به دنبال عادی کردن تولید و توزیع مواد مخدر هستند و باید مقامات عالی کشور برای پیشگیری از عادی کردن این مسئله اقدام لازم را انجام دهند. وی ادامه داد: معضل معتادان متجاهر به یکی از مسائل و مشکلات عمده استان کرمان تبدیل شده است

**توکلی** - فردی که از ۱۴۰ شهروند کرمانی باشگرد خرید حواله خودرو کلاهبرداری کرده بود، به دام پلیس افتاد. به گزارش خراسان، مراجعہ انتظامی استان کرمان در تشریح این خبر بیان کرد: به دنبال ارجاع شکایت‌های متعدد به پلیس آگاهی استان مبنی بر کلاهبرداری در قالب فروش حواله خودرو، مشخص شد فردی با معرفی خود به عنوان کارمند یکی از نمایندگی‌های خودرو اقدام به فروش تعداد زیادی حواله خودرو با قیمت‌های دولتی به شهروندان کرده و به این طریق بیش از هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال از آنان کلاهبرداری کرده‌است. سردار ناصر فرشید ادامه داد: در این زمینه با پیگیری‌های بی‌وقفه نیروهای دایره مبارزه با جاعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی، این متهم

### کلاهبرداری میلیاردی با وعده های پوچ حواله خودرو

دستگیر شد و با اطلاع رسانی‌های بعدی، بیش از ۱۴۰ شهروند دیگر که به همین روش از آن‌ها کلاهبرداری شده بود، به پلیس آگاهی مراجعه کردند و به شکایت این پرونده اضافه شدند. این مقام ارشد انتظامی با اشاره به تشکیل پرونده اولیه و ارجاع مراتب به مسئولان قضایی برای اقدامات بعدی تصریح کرد: در این خصوص ماموران پلیس آگاهی برای احقاق حق این افراد در حال پیگیری و تلاش‌های مضاعفی هستند که در این زمینه از مردم می‌خواهیم برای خرید خودرو به نمایندگی‌های مجاز مراجعه کنند و در مواجهه با افراد نامطمئن فعال در حوزه خرید و فروش خودرو و ملک حتماً تحقیقات لازم را انجام بدهند و فریب وعده‌های پوچ کلاهبرداران را نخورند.

در امتداد تاریکی

## مرگ محبت در آغوش هوس!

وقتی به خاطر بیماری صعب‌العلاج در بیمارستان بستری شدم، فقط همسر شبانه روز من مراقبت می‌کرد و لحظه‌ای چشم بر هم نمی‌گذاشت. حتی وقتی فهمید به مصرف مواد مخدر آلوده شده‌ام، آبروی مرا حفظ کرد به گونه‌ای که خانواده‌ام متوجه ماجرا نشدند اما در این شرایط زنی که با او پنهانی ازدواج کرده بودم...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، مرد ۴۵ ساله که برای بازگرداندن همسر و فرزندش به زندگی مشترک، دست به دامان پلیس شده بود، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاترزی هفت تیر مشهد گفت: سال‌ها قبل زمانی که پسر می‌مجرد بودم، پدرم تصمیم گرفت به مشهد مهاجرت کنیم. او که مردی بازاری بود، وضعیت مالی خوبی داشت. به همین دلیل هم ساختمانی چند طبقه را در یکی از مناطق مرفه نشین شهر خرید و یک طبقه از آن ساختمان را هم درحالی‌به‌نام من سندزد که تک‌پسر خانواده بودم و او دوست داشت همه امکانات رفاهی را برایم فراهم کند. بعد از آن که دیپلم گرفتم پدرم سرمایه‌هنگفتی را در اختیارم گذاشت و شغلی آبرومندانه را در بازار برایم راه‌اندازی کرد. در همین روز‌ها بود که دختری زیبا با تحصیلات دانشگاهی را نیز برایم خواستگاری کرد. خانواده «ثریا» در شهرستان خودمان سکونت داشتند و پدرم با پدر بزرگ‌اواشنا بود. بنابر این خیلی زود من و ثریا پای سفره عقد نشستیم و ازدواج کردیم. با وجود این چون من که ماهیبه صورت تلفنی و به دور از چشم اطرافیانم مواد مخدر سنتی مصرف می‌کردم و معتقد بودم که هرگاه اراده کنم دیگر از مصرف آن چشم‌پوشی می‌کنم ولی درحالی‌بعد از گذشت ۶ ماه از دوران نامزدی، زندگی مشترکم با ثریا را آغاز کردم که با وسوسه دوستانم به شیشه آلوده شدم و نفهمیدم چگونه زندگی‌ام را به تباهی کشاندم. با وجود این چون من ماهیبه داشتم کسی متوجه اعتیادم نشد اما احساس خوشبختی نداشتم چرا که خودم می‌خواستم با زنی اهل و ساکن مشهد ازدواج کنم و همسرم انتخاب من نبود. خلاصه درحالی‌که خداوند دختری زیبا به من داده بود اما همواره به دنبال رویاهای خودم می‌گشتم تا این که با زن مطلقه‌ای آشنا شدم که از مشترکین فروشگاهم بود. اگرچه «سپهلا» سن بیشتری داشت ولی «هوس» چشمانم را کور کرده بود و من به پیشنهاد او به خانه‌اش رفتم و از ترس این که همسرم متوجه ماجرا نشود به‌طور پنهانی «سپهلا» را به عقد موقت خودم درآوردم. حالا دیگر به راحتی در خانه او شیشه مصرف می‌کردم و «سپهلا» هم مرا به مصرف بیشتر ترغیب می‌کرد و بلافاصله غافل بودم، این رفتارهای او را دوست داشتم و متوجه عمق این ماجرای تکان‌دهنده نبودم. در همین حال «سپهلا» داماد زیر گوشم زمزمه می‌کرد که او را به عقد دائمی خودم دربیآورم به همین دلیل هم هنگامی‌با من تماس می‌گرفت که من کنار همسر و فرزندم بودم تا آن‌ها از جریان ازدواج پنهانی من مطلع شوند و حتی مرا وادار می‌کرد تا ثریا را طلاق بدهم. در یکی از همین روز‌ها بود که به دلیل ابتلا به بیماری صعب‌العلاج در بیمارستان بستری شدم و ثریا شبانه‌روز کنار تختم می‌خوابید تا از من مراقبت کند ولی از تماس‌های «سپهلا» هم خبری نبود. او وقتی ماجرا را فهمید مرا را هرکدو با پایان مدت عقد موقت، دیگر اطلاعی از او ندارم. در این شرایط بود که همسرم متوجه اعتیادم شد اما برای حفظ آبروی من و خانواده‌ام سکوت کرد و به کسی چیزی نگفت، فقط تلاش می‌کرد تا زودتر سلامتی خودم را پیدا کنم. بالاخره از بیمارستان ترخیص شدم ولی باز هم وسوسه‌های شیطانی به سراغم آمد و نه تنها دوباره مصرف مواد مخدر صنعتی را شروع کردم بلکه با یک زن دیگر هم ارتباط غیر اخلاقی برقرار کردم طوری که «ثریا» از جریان این ارتباط خیانت‌بار باخبر شد و این بار به همراه فرزندم به خانه پدرش رفت تا از من طلاق بگیرد. حالا من مانده‌ام با کوله‌باری از پشیمانی که هم آینده‌ام را نابود کردم و هم محبت را در آغوش هوس کشتم! ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با توجه به اهمیت این ماجرای تلخ و با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ سبحانی فر (رئیس کلاترزی هفت تیر مشهد) بررسی‌های کارشناسی و روان‌شناختی این پرونده به مشاوران زنده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

**آگهی مزایده**

**شرکت تولید قطعات خاور**

این شرکت در نظر دارد **اقلام ضایعاتی (پلیسه-پالت و تخته و چوب ضایعاتی)** خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند از علاقمندان دعوت بعمل می آید تا پایان وقت اداری یکشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ با شماره ذیل تماس حاصل فرمایند.

**شماره تماس: ۰۵۱-۳۶۶۵۲۱۲۲ - داخلی ۲۱۵ همراه: ۰۹۱۵۵۱۶۰۳۷۴**

۶۰۱۹۴

**تصمیم واحد ثبتی**

مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دامغان

خواهان افراز: سید امیر امیر خلیلی به ادرس شهرک بوستان خ فرخی منزل خراسانی شماره تماس: ۰۹۳۵۱۴۳۰۴۰

خواندگان افراز: سایر مالکین مشاعی

مورد افراز پلاک ۱۹۲۲ واقع در بخش ۱

خواهان افراز طی تقاضای وارده شماره سه طریقت خوانندگان و به اسناد قانون افراز املاک مشاعی مصوب سال ۵۸ خواهان افراز سهمی خود از پلاک فوق الذکر را نموده که پس از طی تشریفات اولیه و بازدید از محل نقشه افرازی تهیه و جهت تأیید به شهرداری دامغان ارسال که شهرداری طی نامه شماره ۱۴۰۲/۱۳۰۷۲۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ اعلام داشته با عنایت به اینکه پلاک فوق را با توجه به مغایرت با ضوابط طرح تفصیلی شهر مورد تأیید ندانسته است. لذا در وقت فوق الذکر جلسه ای با حضور امضاء کنندگان ذیل تشکیل و با توجه به مراتب فوق و اختیارات حاصله از ماده ۵ آیین نامه قانون افراز ملک موصوف غیر قابل افراز تشخیص و اعلام می گردد.

که این تصمیم برابر ماده ۴ قانون افراز مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی قابل اعتراض در دادگاه صالحه محل می باشد. شناسه ۱۶۸۱۲۲۲ - تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

**رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان دامغان مهدی جدیدی**